

# سیره اخلاقی طلبه در عصر حاضر

سیده مریم هاشمی<sup>۱</sup>

حدیث قلی پور<sup>۲</sup>

سمانه هاشم پور<sup>۳</sup>

## چکیده

مقاله پیش رو با عنوان سیره اخلاقی طلبه در عصر حاضر بر این باور است که اخلاق ابزاری انسان ساز است و می توان از آن به عنوان یکی از حیاتی ترین مقوله های انسانی نام برد. اخلاق جایگاه ویژه ای در قرآن سیره معصومین (ع) دارد و همواره علمای اسلام بر آن تاکید فراوانی دارند، زیرا برای رسیدن به جایگاه رفیع اجتماعی و عرفانی لازم است. فقدان اخلاق در سیره طلبه سبب بروز مشکلات عدیده من جمله طرد شدن آن از طرف جامعه می شود و در این صورت مردم نسبت به قشر طلبه بدبین می شوند. در این مقاله با مراجعه به کتب اخلاقی، تفسیری، دینی، هیمنطور سیره معصومین (ع) در پی پاسخ به این سوال هستیم که اخلاق طلبه در عصر حاضر چه جایگاهی دارد. چرا اخلاق یکی از لازمه های زندگی طلبه می باشد.

از مهمترین دستاوردهای این مقاله این می ب که اخلاق جایگاه ویژه ای در منش طلبگی دارد. و یکی از ضروریات رفتاری طلبه می باشد. با تفکر، تامل در قرآن ویژه اهل بیت (ع) در می یابیم که یکی از راه های پیمودن، هرچه سریع ترسیر و سلوک، خودسازی، تمسک به اخلاق می باشد.

کلید واژه: سیره، اخلاق، طلبه

---

<sup>۱</sup>- اشتغال به تحصیل سطح ۲ (کارشناسی)

<sup>۲</sup>- اشتغال به تحصیل سطح ۲ (کارشناسی)

<sup>۳</sup>- اشتغال به تحصیل سطح ۲ (کارشناسی)

## مقدمه

در این مقاله سعی کردیم جلوه های اخلاقی در زندگی پیامبر و اهل بیت (ع) را منعکس نموده و ابعاد مختلف اخلاق را تبیین کنیم.

اخلاق اوصاف انسان است که فقط با دیده بصرت می توان درک کرد. طلبه کسی است که در زمینه علوم دینی تحصیل کرده چون وظیفه طلبه ایجاب می کند با افراد زیادی ارتباط داشته باشد، اخلاق طلبه در جذب و دفع افراد موثر واقع می شود هدف ما از این مقاله آشنایی کردن طلاب با اخلاق دینی می باشد. که ما این مباحث را در قالب اخلاق در قرآن ، اخلاق در قرآن، اخلاق در سیره پیامبر (ص) اخلاق در سیره اهل بیت و آثار اخلاق ارائه دادیم.

## مفهوم شناسی:

سیره در لغت: سیره در فرهنگ عمید عمید به معنای سیرت و طریقه و مذهب و سرشت است.<sup>۱</sup> در لغت نامه دهخدا به معنای طریقه و هیات است.<sup>۲</sup> و در کتاب سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) این گونه بیان شده است که سیره به معنای رفتار و بروز فعله است.<sup>۳</sup> در لغت نامه قرآن کریم به معنای حالت صورت است.<sup>۴</sup>

سیره در اصطلاح: در کتاب سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (ع) سیره در اصطلاح به معنای چگونگی و نوع عمل است. این چگونگی همان هیئت و حالت فعالیت آدمی است و از آن جا که هیچ فعالیت بدون حالتی خاص تحقق نمی یابد و حالت رفتار جدا از رفتار نیست. سیره همه رفتارهای آدمی را شامل می شود.<sup>۵</sup>

اخلاق در لغت: اخلاق در فرهنگ عمید به معنای خوی ها جمع خلق است.<sup>۶</sup> « لغت نامه دهخدا نیز به معنای جمع خلق و به معنای خوی ما است.<sup>۷</sup> و در کتاب مفردات الفاظ به معنای نیر و سرنوشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت قابل درک است.<sup>۸</sup>

اخلاق در اصطلاح: در کتاب تهذیب الاخلاق تطهیر الاعراق این طور آمده است: خلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند بی آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد.<sup>۹</sup> در کتاب اخلاق بندگی آمده است که خلق اصطلاح به صفت نفسانی راسخی اطلاق می شود که موجب صدور افعال متناسب با آن لغت بی درنگ و بدوت تامل می شود.<sup>۱۰</sup> در کتاب اخلاق و راه سعادت آمده است که خلق، عادت، ملکه ای است که در نفس انسان رسوخ می نماید که داعی بد افعال وی می گردد بدون آن که محتاج به فکر باشد.<sup>۱۱</sup>

---

۱- حسن ، عمید، فرهنگ عمید، ص ۷۴۸

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۶

۳- محمد داودی ، سید علی حسین زاده، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ص ۸

۴- محمدرضا ، غیائی کرمانی ، لغت نامه قرآن کریم، ص ۲۰۶

۵- محمد داودی ، سید علی حسین زاده، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ص ۸

۶- حسن ، عمید، فرهنگ عمید، ص ۹۹

۷- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۲

۸- حسین ین محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۵۹.

۹- ابن مسکویه ، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق ، ص ۵۱

۱۰- محمداقبر تحریری، اخلاق بندگی، ص ۲۰۵

۱۱- نصرت بیگم امین ، اخلاق و راه سعادت ، ص ۶۲

طلبه در لغت: این گونه آمده است که طلبه، جمع طالب است و طالب به معنی جوینده و خواهنده و راغب است.<sup>۱</sup> در لغت نامه دهخدا به معنی دانش پژوهان و جویندگان علم است. فارسی زبانان آن را به صورت مفرد به معنی دانشجوی علوم قدیم به کار می برند.<sup>۲</sup>

المعجم المعانی به معنای دانش جو یا دانش آموز است.<sup>۳</sup>

طلبه در اصطلاح: در اصطلاح به کسانی طلبه می گویند که در حوزه علمیه به تحصیل علوم اسلامی مشغول هستند معادل دانشجو در دانشگاه طلبه مبلغ آموزه های دینی است و وظیفه دارد قواعد عمل دینی و معنوی را به دیگران بیاموزد این تعریف در کتاب در آمدی بر زی طلبگی آمده است.<sup>۴</sup>

## اخلاق در قرآن

قرآن مجید قسمت مهمّ مباحث اخلاقی و عملی را در لابه لای شرح تاریخ گذشتگان و اقوام پیشین آورده و به خوبی مجسم ساخته است که هر کدام از این رذایل و فضایل چه بازتاب های وسیع و گسترده ای در جوامع انسانی دارد و عاقبت کار آنها به کجا می رسد در این مبحث می توان به داستان آفرینش آدم و حوا و سوسه های شیطان و دور شدن آنها از بهشت می رویم و رذایلی که سبب پیدایش ماجرای عبرت انگیز طرد شیطان از بساط قرب خداوند شد، اشاره کرد.

شیطان به خاطر استکبار و خودخواهی و سپس «لجاجت» و «تعصّب» از سجده بر آدم خودداری کرد و از درگاه خدا رانده شد و آدم علیه السلام و حوا به خاطر حرص و آز تسلیم و سوسه های بی منطق دشمن خود- شیطان- شدند و در دام او افتادند. بعد نوبت به داستان هابیل و قابیل و صفات زشتی که انگیزه قتل هابیل شد می رسد و به همین ترتیب به سراغ داستان نوح و ماجراهای دیگر تاریخی، مخصوصاً ماجرای قوم بنی اسرائیل و موسی علیه السلام می رویم و در آینه زندگی انبیای الهی فضایل و آثار آن را می بینیم و در زندگی اقوام منحرف که گرفتار انواع مجازات های الهی شدند آثار رذایل را مشاهده می کنیم. خداوند به همه ما و همه افراد جامعه ما توفیق دهد که آن رذایل را که جامعه بشری را به جهنمی سوزان تبدیل می کند از اعماق جان خود ریشه کن کنیم.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - حسن عمید، فرهنگ عمید، صفحه ی ۸۱۱-۸۰۸

<sup>۲</sup> - علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۲۰

<sup>۳</sup> - المعجم المعانی

<sup>۴</sup> - محمد، عالم زاده نوری، در آمدی بر زی طلبگی (هنجار شناسی جلوه های رفتاری حوزویان)، ص ۱۸.

<sup>۵</sup> - ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۴۶۳-۴۶۴

نخستین سفتی از صفات رذیله که در داستان انبیاء آغاز خلقت به چشم می خورد و به اعتقاد بسیاری از علمای اخلاق امّ المفسد است تکبر و استکبار می باشد که در داستان شیطان به هنگام آفرینش آدم (ع) و امر به سجود فرشتگان و همچنین ابلیس برای او آمده است.

امروز نیز در جوامع انسانی مسئله استکبار سخن اول را در مفسد جهانی می زند و بلاى بزرگ بشریت در عصر ما نیز همین استکبار است.

در این جا به تعدادی از آیات قرآن کریم اشاره می کنیم: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup> و یاد کن هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده و خضوع کنید همگی سجده کردند جز ابلیس که سر با زند تکبر ورزید از کافران شد. قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ<sup>۲</sup>؛ گفت از آن (مقام) فرود آی، تو حق نداری در آن (مقام) تکبر کنی بیرون رو که تو از افراد پست و کوچکی.

در دو آیه بالا سخن از ابلیس و داستان معروف او به میان آورده در آن هنگام که خداوند بر همه فرشتگان دستور داد که به خاطر عظمت آفرینش آدم (ع) سجده کنند.

و ابلیس در آن زمان به خاطر مقام والایش در صف فرشتگان جای گرفته بود - همگی سجده کردند جز ابلیس که در برابر این فرمان خدا سرپیچی کرد و استکبار ورزید و از کافران شد، و به دنبال این سرپیچی صریح و آشکار و حتی آمیخته به اعتراض نسبت به اصل فرمان خدا، فرمود از آن مقام و مرتبت فرود آی! تو حق نداری در آن جایگاه تکبر کنی! بیرون رو که از افراد پست خواهی بود<sup>۳</sup>.

در حقیقت این نخستین گناهی است که در جهان به وقوع پیوست، گناهی که سبب شد فردی همچون ابلیس که سالیان دراز - و به تعبیر امیر مؤمنان علی(ع) در خطبه قاصعه شش هزار سال خدا را عبادت کرده بود - به خاطر تکبر یک ساعت تمام اعمال و عبادات او بر باد رفت (و از آن مقام والا که همنشین با فرشتگان و مقام قرب خدا بود یکباره سقوط نمود).

«إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ، وَ جَهْدَهُ الْجَهِيدَ - وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ... عَنْ كِبَرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ<sup>۴</sup>» این داستان نشان می دهد که این صفت رذیله ممکن است سرانجام به کفر و بی ایمانی منتهی گردد چنان چه در آیه ی بالا آمده بود وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ.

همچنین این داستان نشان می دهد که ابلیس به خاطر کبر از واضحترین مسائل بی خبر ماند، چرا که هنگامی که زبان به اعراض در برابر خداوند سبحان گشود و گفت: قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدْ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ

<sup>۱</sup> - بقره، آیه ۳۴.

<sup>۲</sup> - اعراف، آیه ۱۳

<sup>۳</sup> - ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۴۶۹-۴۷۰

<sup>۴</sup> - محمد دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۱</sup> و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم، ولی (آنها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

در این آیه، سخن از رابطه برکات زمین و آسمان؛ باتقوا است، با صراحت می فرماید: ایمان و تقوا سبب می شود که برکات آسمان و زمین به سوی انسانها سرازیر گردد؛ و بعکس، تکذیب آیات الهی (و بی تقوایی) سبب نزول عذاب می گردد.

برکات آسمان و زمین، معنی وسیعی دارد که نزول بارانها، رویش گیاهان، فزونی نعمتها، و افزایش نیروهای انسانی را شامل می شود.

«برکت» در اصل به معنی ثبات و استقرار چیزی است، و این واژه بر هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می گردد؛ بنابراین موجودات بی برکت آنها هستند که ثبات و قراری ندارند و زود فانی و نابود می شوند.

بسیارند از امتهایی که دارای امکانات مادی فراوان هستند و منابع زیرزمینی و روزمینی و انواع صنایع را دارند، ولی به خاطر تباهی اخلاق و فساد اعمال که نتیجه مستقیم فساد اخلاق است، این مواهب برای آنها ناپایدار و فاقد برکت است و غالباً در مسیر نابودی شان به کار گرفته می شود.<sup>۲</sup>

به همین دلیل، آیات قرآن، از کسانی سخن می گوید که نعمتهای آنها وبال و مایه بدبختی شان شد. مثلاً، در آیه ۸۵ سوره توبه می خوانیم: «وَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِى الدُّنْيَا وَتَزْهِقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ؛ مبادا اموال و اولادشان مایه اعجاب تو گردد، خدا می خواهد به وسیله آن، آنها را عذاب کند و جانشان بر آید در حالی که کافر باشند» .

آری! این نعمتها هنگامی که با فساد اخلاق توأم شود، هم مایه عذاب دنیا است، هم موجب خسران و زیان آخرت!

به تعبیر دیگر، هرگاه مواهب الهی با ایمان و اخلاق و اصول انسانی همراه باشد مایه عمران و آبادی و رفاه و آسایش و سعادت و نیکبختی است این همان چیزی است که در آیه مورد بحث به آن اشاره شده است.<sup>۳</sup>

عکس، هرگاه با سوء اخلاق و بخل و ظلم و خودکامگی و هوسبازی همراه باشد، مایه تباهی و فساد است.

۲- وَلَا تَسْتَوِى الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِى هِىَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِى بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِىٌّ حَمِيمٌ \* وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - اعراف ، آیه ۹۶

<sup>۲</sup> - اخلاق در قرآن ، ج ۱، ص ۳۶.

<sup>۳</sup> - ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن ، ج ۱، ص ۴۰

<sup>۴</sup> - فصلت ، آیه ۳۴،۳۵

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گوش دوستی گرم و صمیمی است!

در این آیه، طریقه بسیار موثر و مهمی را برای پایان دادن به کینه توزی ها و عداوت ها، ارائه می‌دهد و نقش اخلاق را در برچیدن نفرت ها و کینه ها روشن می‌سازد، می‌فرماید: «با نیکی، بدی را دفع کن، تا دشمنان سرسخت همچون دوستان، گرم و صمیمی شوند.» سپس می‌افزاید: این کار، کار همه کس نیست، و این بزرگواری و سعه صدر، از هر کس بر نمی‌آید، «تنها کسانی به این مرحله می‌رسند که دارای صبر و استقامتند، و تنها کسانی به این فضیلت اخلاقی نائل می‌شوند، که بهره عظیمی از ایمان و تقوا دارند!»

همیشه یکی از مشکلات بزرگ جوامع بشری، انباشته شدن کینه ها و نفرت ها بوده که وقتی به اوج خود برسد، آتش جنگ ها از آن زبانه می‌کشد و همه چیز را در کام خود فرو می‌برد.<sup>۱</sup>

حال اگر با روش بالا (دفع بدی با نیکی) با آن برخورد شود، کینه ها، همچون برف در تابستان، به زودی ذوب می‌شود و از میان می‌رود، و جوامع بشری را از خطر بسیاری از جنگ ها مصون می‌دارد، از جنایات می‌کاهد و راه را برای همکاری عمومی هموار می‌سازد. ولی همان گونه که قرآن می‌گوید، این کار همه کس نیست و بهره عظیمی از ایمان و تقوا و تربیت اخلاقی لازم دارد.

از آیات بالا به خوبی استفاده می‌شود که هر خلق و خوی برجسته انسانی علاوه بر جنبه های معنوی و اخروی، تاثیر عمیقی در زندگی مادی و دنیوی انسانها دارد، به همین دلیل، نباید تصور کرد که مسائل اخلاقی یک سلسله مسائل فردی و شخصی است، و چیزی جدا از زندگی اجتماعی انسانها است، بلکه بلعکس، رابطه بسیار قوی و نزدیک با آن دارد، و هرگونه دگرگونی اجتماعی، بدون دگرگونی اخلاقی امکان پذیر نیست.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۴۰.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۵۰.

## نتیجه گیری

طلبه باید ارزش های اخلاقی را در وجود خود درونی کند و همواره آنها را در زندگی خود پیاده کند. طلبه باید برای حاکم کردن فضایل اخلاقی در جامعه تلاش بکند و همچنین در برابر هنجار شکنی مردم واکنش نشان بدهد.

یک طلبه باید بکوشد در برابر توهین و تهمت های دیگران صبوری به خرج دهد تا بتواند اسوه حسنه برای مردم شود و همانطور که رهبر معظم فرمودند: « طلبه باید در فضای سایبری پویا باشد و سعی کند مصادیق اخلاقی را برای مردم تبیین کند.»



## پیشنهاد

- ۱- برگزاری حلقه های صالحین در باب آموزش اخلاق به طلاب
- ۲- آموزش اخلاق دینی توسط طلاب در مدارس و مکان های آموزشی
- ۳- انتشار سیره اخلاقی علما در قالب کتاب و مستند
- ۴- برخورد خوب طلاب با مردم و به خصوص قشر جوان
- ۵- دوری طلاب از تجمل گرایی و افراط و تفریط
- ۶- ساخت وبلاگ و سایت های مذهبی

## منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اسماعیل پور، سید معصوم، فرهنگ اخلاقی معصومین (ع)، قم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی ۱۳۹۰.
- ۳- اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالتعلم؛ بیروت الدالشامیه ۱۴۱۶ق.
- ۴- امین، نصرت بیگم، اخلاق در راه سعادت، چاپ سوم، اصفهان، خیابان سپه، خیابان حکیم، مقابل مسجد حکیم، ۱۳۹۲.
- ۵- تحریری، محمدباقر، اخلاق پذیری، مرکز نشر هاجر، زمستان ۹۶
- ۶- حسینی زاده، سیدعلی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، چاپ دهم، قم، جعفری، ۱۳۹۷.
- ۷- حیدر نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد (صحیفه السجادیه)، چاپ هفدهم، قم، خیابان اراک، خ علامه طباطبایی، انتشارات نبوغ، ۱۳۸۹.
- ۸- داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، چاپ دهم، قم، جعفری، ۱۳۹۷.
- ۹- دشتی، محمد، نهج البلاغه، چاپ سوم
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۶، ۲، ۲۰، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشوری،
- ۱۱- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی (منطق عملی)، تهران، دریا، ۳۸۵
- ۱۲- رضوانفر، احمد، فرهنگ اخلاقی معصومین، قم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۴.
- ۱۳- سعدی، گلستان، چاپ دهم، علیشاه، ۱۳۷۴.
- ۱۴- عالم زاده نوری، محمد، درآمدی بر زی طلبگی، چاپ هشتم، قم، میدان شهدا، ۱۳۹۶.
- ۱۵- غیاثی کرمانی، محمدرضا، لغت نامه قرآن کریم، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، ۱۳۸۹.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، ج ۳۹، الحیاء التراث العربی.
- ۱۷- معین، حسن، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۲، ۱۳۶۲.
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۱ و ۲، قم، مدرسه امام علی ابن ابی طالب، ۱۴۲۵ق، ۱۳۸۳
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۷
- ۲۰- مسکویه، احمدبن، مترجم: علی اصغر حلبی، ۱۳۸۱.
- ۲۱- هادی منش، ابوالفضل، درقلمرو آفتاب داستان های از سیره اخلاقی پیشوایان معصوم، قم، صدای و سیما جمهوری اسلامی، دفتر عقل، ۱۳۸۵.